



وقف مهدوی



صَلَاةُ الْإِسْلَامِ

وقف مهدوی

■ مؤلف: مسعود دریس

■ ناشر: سبط النبی علیه السلام

■ چاپ: اول - ۱۳۸۸

■ قیمت: ۶۰۰ تومان

■ تیراژ: ۳۰۰۰

مرکز پخش: قم / خیابان صفائیه / کوچه ممتاز / کوی فتمی / پلاک ۱۷ و ۱۹

تلفن: ۴ - ۷۷۴۵۰۷۳ فاکس: ۷۷۴۵۰۷۵ همراه: ۰۹۱۲۵۵۳۳۳۳۳۳۳۳

پخش تهران: ۰۹۱۲۷۵۴۵۲۰۵ صندوق پستی: ۱۱۳۳۳ - ۳۷۱۵۳

آبادان - بلوار دهباری جنب استادیوم نفتی - کالون آزادگان - طبقه دوم دفتر بنیاد

فرهنگی حضرت مهدی (عج) شعبه آبادان و فرم‌شهر

تلفن: ۰۲۰۰۲۲۲۰۰۲۰۰ - ۰۶۳۱ تلفکس: ۰۱۱۱ - ۰۲۲۳ - ۰۶۳۱

همراه مدیرعامل: ۰۹۱۶۱۳۱۰۹۸۴



وقف مهدوی

مؤلف: مسعود دریس

فهرست مطالب

سلام.....	۷
تاریخچه.....	۱۱
نمونه‌های وقف مهدوی.....	۲۲
۱. چشمه علی دامغان.....	۲۲
۲. حجت آباد یزد.....	۲۳
۳- قرآن وقف شده برای امام زمان <small>علیه السلام</small>	۲۴
۴- وقف شمشیر.....	۲۶
دنیای وقف.....	۲۷
وقف مهدوی.....	۲۸
چرا وقف.....	۳۲
وقف مهدوی چرا؟.....	۳۳
آثار وقف مهدوی.....	۴۳
۱. تألیف قلوب مردم به امام مهدی <small>علیه السلام</small>	۴۴
۲. آشنا نمودن مردم با فرهنگ مهدوی.....	۴۴
۳. بسط و گسترش فرهنگ مهدوی.....	۴۵

۴. تشویق دیگران به وقف مهدوی ۴۶
- وقف مهدوی؛ وظایف منتظران ۴۶
- حکم وقف در بیان امام زمان علیه السلام ۴۶
- عنایت امام زمان علیه السلام به اوقاف ۴۹

سلام

یکی از جلوه‌ها و جنبه‌های مهم، حساس و زیبای اسلام، سنت حسنه وقف است که همواره تاثیر و آثار فراوانی برای جهان اسلام داشته و دارد. مسلمان‌ها در طول تاریخ با انگیزه‌های متفاوتی اموالی را وقف نموده‌اند که برکات فراوانی برای واقف و دیگران داشته است. هر مسلمانی تاکنون شاهد این موقوفات بوده و از ثمره‌های مراکز وقفی مانند مساجد، تکایا، مراکز رفاهی، آموزشی و خدماتی بهره برده است.

اما آنچه بسیار زیبا و شنیدنی است، تنوع دنیای وقف است. واقفین و نیک‌اندیشان محترم بنا بر شرایط زمان از دارایی‌های خود در زمینه‌های مختلف خدمات بزرگی به فرهنگ و تمدن اسلامی نموده‌اند. در حال حاضر از حیث تنوع نیت‌ها، کشور ما رتبه

اول را دارد که در همه زمینه‌ها تقریباً وقف داریم، حتی وقف‌های مهدوی نیز کم و بیش وجود دارد. ضمن احترام و پاس داشتن به تمام موقوفات جهان باید توجه داشت «وقف برای امام زمان علیه السلام» جایگاه و رتبه‌ای والا دارد که تاکنون مورد غفلت بوده است. شایسته است «وقف مهدوی» فرهنگ شود و در ترویج آن تا حد امکان کوشش کرد.

«ترویج فرهنگ وقف مهدوی» از ترکیب چهار واژه پدیدار گشته و در صدد چهار مطلب است:

۱. ترویج به مجموعه کارهایی گفته می‌شود که برآمدن آن توسعه وقف در عرصه کلان جامعه و در عرصه زندگی فردی است. این توسعه با شاخص‌های کیفی مثل تعداد موقوفات و نیز با شاخص‌های کیفی مثل رشد توجه معنوی مردم به علت استفاده از موقوفات قابل اندازه‌گیری است. بنابراین توسعه یا رشد همه فرایندهای پیدا و ناپیدا در همه عرصه‌های فکری، معنوی و روحی، کالاهای منقول و غیر منقول می‌شود؛ زیرا وقف همه این زمینه‌ها را می‌تواند شامل گردد.

۲. فرهنگ به عنوان دومین کلید واژه این طرح

شامل اندیشه‌ها، کتب، مقالات، پایان‌نامه‌ها، رویکردهای درونی و بیرونی می‌شود.

تعاریف زیادی برای فرهنگ آورده‌اند برخی فرهنگ را ترکیبی از رفتارهای مکتبی داشته و برخی دیگر مجموعه رفتارهایی که نسلی به نسل دیگر منتقل می‌کند و... در نهایت یکی از بهترین تعاریف فرهنگ عبارت است از: مجموعه‌ای از قوانین، اخلاقیات، اعتقادات و عادات و هر دانستی که انسان از جامعه کسب می‌کند و در حقیقت فرهنگ حاوی تعاریفی از حقایق موجودات که بر پایه آن، معارف مردمش را شکل می‌دهد.

۳. سومین واژه «وقف» است که در دین اسلام تعریف خاص خود را دارد و منظور از آن بخشیدن بمقداری از اموال در راه خداست. واقف منفعت حاصل از چیزی را در راه خاصی خرج می‌کند و بعد از حیات، ثواب کارش دائما به او می‌رسد.

۴. مهدویت چهارمین کلید واژه این طرح است.

آغاز شیعه با امامت است و در نهایت مهدویت آن را به تکامل می‌رساند. بنابراین امروز هویت شیعه بستگی به آن دارد اگر از شیعه مهدویت گرفته شود،

تفاوت اساسی با سایر ملت ها و مذهب ها ندارد. همه ی انسانها و ملت ها معتقد به منجی هستند. همه می گویند: کسی می آید و جهان را نجات می دهد. اما شیعه می گوید: او الان وجود دارد. الان صدای مرا می شنود. الان مرا می بیند و از همه بالاتر الان پاسخ گوشت، لیبک می گوید. شیعه همواره با این اعتقاد، به حیات خود ادامه داده است. لذا وقف مهدوی، وقف برای هویت شیعه است و «ترویج فرهنگ وقف مهدوی» گامی در جهت رشد و شکوفایی، توسعه و استقبال «وقف مهدوی» است که در نهایت منجر به شناخت مردم از جایگاه حجت خدا در عالم شده و برای ظهور و تشکیل حکومت عدل گستر جهان، زمینه های لازم را فراهم سازند.

به عبارت دیگر وقف مهدوی، احساس مسئولیت در برابر امام زمان علیه السلام و عینیت بخشیدن به اهداف امام عصر علیه السلام است و قطعاً وقف می تواند نقش بسزایی در آماده نمودن مردم برای ظهور نماید و زمینه سازی برای ظهور نماید.

(مسعود دریس: آبادان)

تاریخچه

وقف برای امام زمان علیه السلام از همان اوایل غیبت صغری شروع شده است. بهترین شاهد بر این مطلب، حکایتی است که شیخ طوسی آن را این گونه نقل می‌کند:

«قاسم بن علاء» که صد و هفده سال عمرش می‌گذشت. مدت سی و هفت سال است که بینایی چشمهایش را از دست داده و جایی را نمی‌بیند.

او، روزگار امام هادی علیه السلام و امام حسن عسکری علیه السلام را درک کرده است و توسط دو نفر از نایبان خاص امام دوازدهم - محمد بن عثمان و حسین بن روح - نامه‌هایی به او می‌رسیده است؛ اما حدود دو ماه نامه‌نگاری قطع شد و او از این واقعه، ناراحت و مضطرب می‌باشد.

روزی که مشغول خوردن نهار می‌باشد،
خدمتگزارش وارد شده و می‌گوید:

- قاصدی از سرزمین عراق آمده است که نامه
های خصوصی برای شما دارد.

قاسم بن علاء، از شنیدن این خبر خوشحال میشود؛
زیرا می‌داند که نمایان امام زمان علیه السلام از عراق برایش
نامه می‌نویسند.

بنابراین، رو به سوی قبله نموده و سجده شکر
می‌گذارد.

در این وقت قاصد که پیرمردی کوتاه قامت است
و جامه‌ای از پارچه های مصری بر تن و خورجین
بردوش دارد، وارد می‌شود.

قاسم بن علاء برخاسته و او را در آغوش گرفته و
بوسه سپس با دست خودش، خورجین را از شانه او
برمی‌دارد.

خدمتگزار، ظرف آبی را پیش می‌آورد و قاسم بن
علاء، دست قاصد را شستشو داده و او را کنار خودش
می‌نشاند.

وقتی غذا خورده می‌شود، دستهایشان را می‌شویند
و پیرمرد از داخل خورجین نامه‌ای را به قاسم بن علاء

تسلیم می کند.

قاسم بن علاء نامه را بوسیده و به «ابن ابی سلمه»
که از نزدیکانش است، می دهد تا آنرا بخواند.
او، پس از خواندن نامه ساکت شده و سخنی نمی
گوید.

قاسم بن علاء می پرسد:

- ابو عبدالله * خیر است؟

او میگوید:

- خیر است.

قاسم بن علاء چهره در هم کشیده و می گوید:

- وای بر تو! چیزی درباره من نوشته است؟

ابو عبدالله پاسخ می دهد:

- چیزی که ناخوشایند تو باشد، نیست؛ اما ما را

نگران خواهد ساخت.

قاسم به تندی می پرسد.

- خبر چیست؟!

ابو عبدالله با بغض در گلو می گوید:

- در نامه خبر داده اند که تو پس از چهل روز

دیگر خواهی مرد! و برایت هفت قطعه پارچه فرستاده

شده است.

قاسم بن علاء می پرسد:

- آیا با ایمان از دینا می روم؟

ابوعبدالله اشک ریزان پاسخ می دهد:

- آری؛ با ایمان از دنیا خواهی رفت.

قاسم می خندد و می گوید:

- بعد از این عمری که داشته ام و خبری که

اکنون شنیدم، دیگر هیچ آرزویی ندارم.

پیرمرد قاصد از جای برخاسته و دست به داخل

خورجین خود می برد:

پارچه هایی را در نامه از آنها یاد شده بود، بیرون

آورده و به قاسم بن علاء تسلیم می کند.

ساعتی بعد، قاسم کسی را به دنبال دوستش

«عبدالرحمان بن محمد بدری» می فرستد عبدالرحمان،

هرچند که از دشمنان اهل بیت می باشد؛ اما در امور

دنیایی، دوستی و نشست و برخاست با قاسم دارد.

قاسم بن علاء وقتی حضور دوستش را کنار خویش

احساس میکند نامه امام زمان علیه السلام را به او می دهد

و می گوید:

- این را، تو هم بخوان

اطرافیان قاسم که انتظار چنین عملی را نداشته اند

ناراحت شده و می‌گویند:

- خدا را در نظر بگیرای قاسم! جماعت شیعه نیز شاید نتوانند حقیقت این نامه را تحمل کنند، چه رسد به عبدالرحمان!

قاسم می‌گوید:

- می‌دانم سرّی را که نباید فاش ساخت، افشا می‌کنم؛ اما به خاطر علاقه ام نسبت به عبدالرحمان و میل شدیدی که به هدایت و رستگاری او دارم می‌خواهم نامه را بخواند

عبدالرحمان نامه را برداشته و شروع به خواندن می‌کند.

دقایقی که می‌گذرد، او با حالتی برافروخته و خشمگین شده، نامه را جلوی قاسم انداخته و می‌گوید:

- ای دوست من! از خدا پروا کن. تو مرد فاضلی هستی و از دین استواری برخوردار می‌باشی. مگر به یاد نداری که خداوند عزوجل می‌فرماید «هیچ کسی نمی‌داند فردا چه به دست خواهد آورد و کسی نیز

نمی‌داند که در کدام نقطه زمین خواهد مرد^۱
 عبدالرحمان لحظه‌ای سکوت کرده و ادامه می‌دهد:

- پروردگار فرموده است: «خداوند دانای به غیب

است و غیبش را بر هیچ کس آشکار نمی‌کند...»^۲

قاسم با خنده‌ای آرام به اومی گوید:

- آیه را تمام کن.

و خودش دنباله آیه‌ای را که عبدالرحمان تلاوت

کرده است، بر زبان می‌آورد:

«مگر رسولانی که مورد رضایت او باشند»^۳

سپس سرش را بالا و پایین برده با آرامش ادامه

می‌دهد:

- ای عبدالرحمان! مولای من همان کسی است که

مورد رضای خدا می‌باشد.

ای دوست من! می‌دانستم که تو باخواندن نامه

امام من، چنین عکس‌العملی نشان خواهی داد. اکنون،

امروز را تاریخ بگذار پس اگر من بعد از تاریخی که

در این نامه آمده است زنده ماندم بدان که حق نیستم،

۱. سوره لقمان، آیه ۳۴

۲. سوره جن، آیه ۲۶

۳. سوره جن، آیه ۲۷

و اگر مردم در مورد کار خویش اندیشه کن.
 عبدالرحمان، این روز را تاریخ می‌گذارد و از
 دوست خودش خداحافظی کرده و خانه او را ترک
 می‌کند.

هفت روز می‌گذرد.

قاسم بن علاء به خاطر تب شدیدی که به جانش
 افتاده است، در بستر نشسته و پشت به دیوار دارد.
 پسرش حسن بن قاسم که مردی شراب خوار و آلوده
 می‌باشد در گوشه‌ای از اتاق و نزدیک بستر پدر نشسته
 است. او عبایش را بر صورت افکنده و ساکت و
 خاموش است.

عده‌ای از دوستان قاسم که در اتاق هستند، آرام
 آرام اشک می‌ریزند و به پیر خویش چشم دارند.
 قاسم، پشت از دیوار برداشته و سنگینی بدنش را
 بر دستها تکیه می‌دهد و می‌گوید:

ای دوستانم! در برابر خدا شفیعان من باشید!...

قاسم این جمله را دوبار دیگر تکرار می‌کند.

سپس مژگانش به لرزه در می‌آید. حلقه
 چشمهایش همچون غنچه گل لاله که پرپر شده باشد
 ورم کرده است.

قاسم با آستینش بر چشمها می‌کشد: خونابه‌ای همچون آبی که از گوشت می‌چکد، از چشمهای بیرون می‌آید و بینایی؛ بینایی از دست رفته، پس از سالهای سال، به چشمهای او باز می‌آید!

شگفتی در روزهای واپسین زندگانی روی داده است، قاسم همه چیز و همه کس را می‌بیند!

کسانی که گرد وجود او هستند، در حیرت غوطه ور می‌باشند و توان برزبان آوردن هیچ سخنی را ندارند.

او، در ابتدا با گوشه چشم به فرزندش نگریسته و می‌گوید:

- ای حسن! نزد من بیا.

سپس روی به دیگر یارانش گردانده و آنها را به اسم می‌خواند تا در کنار او جمع شوند.

خویشاوندان و یاران قاسم، مبهوت و حیران شده از چنین حادثه‌ای، اطراف او جمع شده و به حدقه‌های چشمانش که هر دو سالم هستند، نگاه می‌کنند.

خبر، خیلی زود در میان مردم پخش می‌شود و گروه‌های مختلف مردم به خانه اش می‌آیند، تا با چشم خویش او را ببینند «عتبه بن عبدالله مسعودی»

که قاضی القضاة بغداد است و اکنون به انجام کاری در آذربایجان می‌باشد، به دیدار او آمده و در حالیکه انگشتری با نگین فیروزه را به او نشان می‌دهد می‌پرسید:

- این چیست که در دست من است؟

قاسم می‌گوید:

بر نگین انگشتری که در دست داری سه سطر

نوشته شده است که البته قابل خواندن نیست!

حرف تمام است و سخنی که باید گفته می‌شده

بیان گردیده است.

قاضی القضاة بغداد شگفت زده از آن خانه خارج

میشود تا صحت خبر شفا یافتن چشمهای «قاسم بن

علاء» را به همه برساند

دقایقی بعد، قاسم به پسرش نگاه کرده و می‌گوید:

- ای حسن! خداوند به تو مقام و منزلتی خواهد داد

پس بیا و با تشکر از پروردگارت، خود را لایق این

مقام ساز!

حسن می‌گوید:

- ای پدر! پذیرفتم.

قاسم می‌پرسد؟

- چطور پذیرفتی؟

حسن که اشک می‌ریزد، می‌گوید:

- هرطور که شما ای پدر فرمان دهی.

قاسم به مهربانی و شفقت در کلام می‌گوید:

می‌خواهم که از میخوارگی دست برداری.

حسن می‌گوید:

- پدر! سوگند به آنکه در یادش هستی، از شراب

خوردن و اعمال زشت دیگر که تو نمی‌دانی، دست بر

خواهم داشت.

قاسم بن علاء، در این هنگام به سوی آسمان دست

دراز کرده و سه بار تکرار می‌کند:

- خداوندا! فرمانبرداری و طاعت خود را به پسر

الهام فرما و او را از نافرمانی خودت دور گردان!

او سپس کاغذی طلبد و وصیت خویش را بر آن

ثبت می‌کند.

هنگامی که چهل روز از ورود پیک امام زمان به

خانه قاسم بن علاء می‌گذرد و صبح طلوع می‌کند،

قاسم بن علاء از دنیا می‌رود.

عبدالرحمان در این روز در بازارها سروپای برهنه

می‌دود و فریاد بر می‌آورد:

- وای! وای! که آقام از دنیا رفت.

عده‌ای از مردم که انتظارچنین کارهایی را از عبدالرحمان ندارند گرد او جمع شده و با حیرت می‌پرسند:

- این چه کاری است که می‌کنی؟!

عبدالرحمان فریاد می‌زند:

- خدایا! خدایا! من چیزی دیده‌ام که اینها ندیده-

اند!...

سپس شیعه شدن خودش را اعلام داشته و مردم را از رستگاری خویش آگاه می‌سازد و همان روز بسیاری از اموالش را وقف امام زمان علیه السلام می‌سازد.

چند روز بعد، پیام تسلیتی برای حسن بن قاسم از سوی امام زمان علیه السلام می‌رسد. در آخر این پیام، دعای امام زمان علیه السلام در مورد او چنین آمده است:

«خداوند، فرمانبرداری و طاعتش را به تو الهام کند و از معصیت و نافرمانیش، تو را دور دارد!... ما، پدرت را سرمشق تو و اعمال و کارهایش را الگو و نمونه برای تو قرار دادیم.»^۱

۱. غیبت، شیخ طوسی، ص ۳۱۵ «... و وقف الكثير من ضیاعه ...»

نمونه‌های وقف مهدوی

۱. چشمه علی دامغان

در تاریخ آمده است چون
فتحعلی شاه قاجار در دامغان
دیده به جهان گشود پس از
رسیدن به سلطنت، علاقه



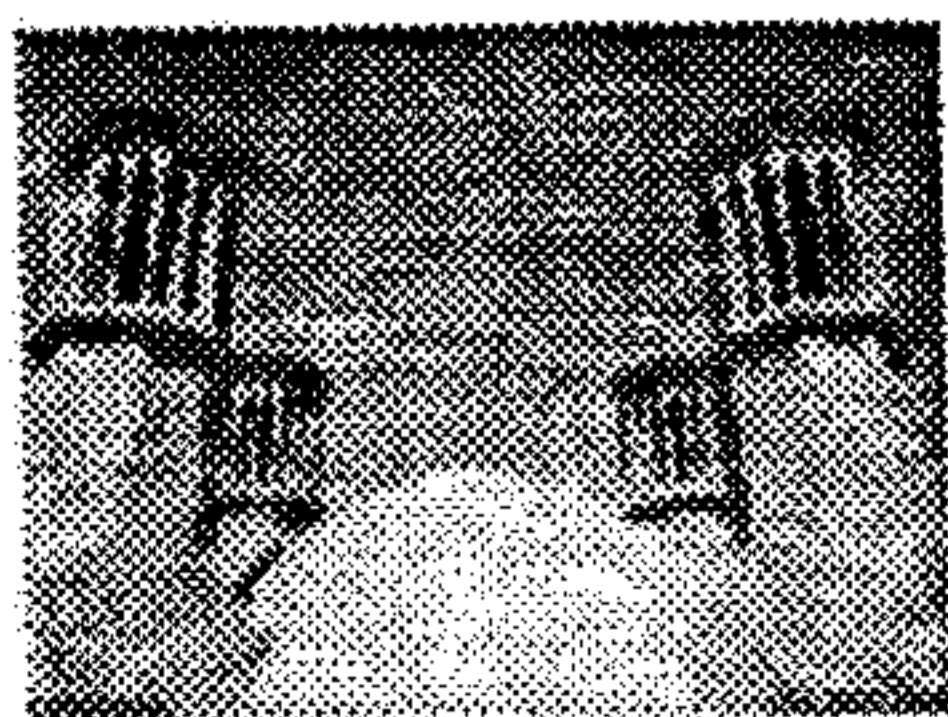
زیادی به محل تولد خود پیدا کرد و چند دفعه به
دامغان سفر نمود. وی در سفری که برای جلوگیری از
پیشرفت نادر میرزا پسر شاهرخ نادری در مشهد، به
طرف خراسان می‌رفت در چشمه علی توقف نموده و
دستور ساخت عمارتی را بدون فوت وقت داد. در
مراجعت با مشاهده عمارت چشمه علی، شغف و
شادمانی وی را فرا می‌گیرد و شعرای وقت نیز فرصت
را غنیمت شمرده و اشعار بسیار زیبایی را می‌سرایند و
حکاکان آنها را بر سنگ حک کرده و در عمارت
نصب می‌کنند.

پس از ساخت عمارت فوق، شاه اعلام کرد: «این
عمارت کعبه ثانی نیاز دارد» و دستور داد مسجدی در
کنار چشمه بسازند. پس در آن مسجدی در جوار
عمارت، با طاق رومی ساخته شد که تا چند سال قبل

آثاری از آن مشاهده می‌شد. فتحعلی شاه در آن زمان دستور داد وقف نامه‌ای را برای چشمه علی بر دو سنگ حک و در مسجد نصب نمایند ولی به دلیل عدم کارایی و مخروبه شدن مسجد، آثار باقیمانده تخریب و مجدداً در همان محل مسجدی زیبا احداث گردید.

چشمه علی علاوه بر مناظر و طبیعت زیبایش، منبع تامین کننده آب شهرستان دامغان محسوب می‌شود و قطعه سنگی که روی آن منقوش است مورد توجه بازدیدکنندگان بوده است البته در حال حاضر اثری از آن سنگ نیست. این چشمه در سال ۱۲۱۷ هجری قمری وقف امام زمان علیه السلام شده است. در هر صورت چشمه علی علاوه بر مکانی توریستی محلی مذهبی و مورد احترام مردم می‌باشد.^۱

۲. حجت آباد یزد

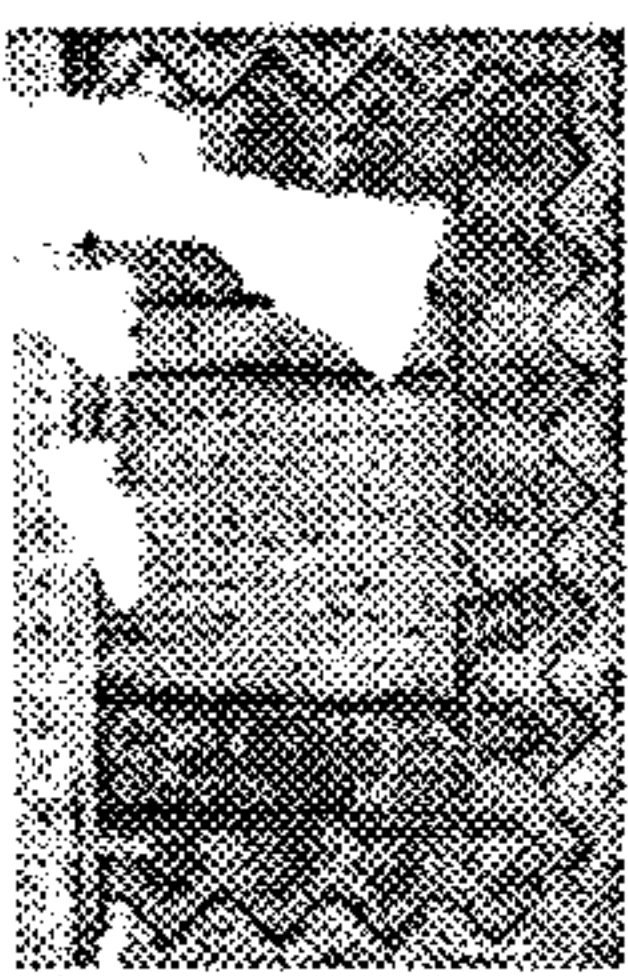


مجموعه حجت آباد
وزیر که به استناد مدارک

۱. فصلنامه فرهنگ قومی (انتشارات اداره کل ارشاد اسلامی استان سمنان).

تاریخی در سال ۱۲۹۸ هـ ق احداث شده، دارای
 عمارتی است که اقامتگاه تابستانی میرزا
 مستوفی وزیر ناصرالدینشاه و حاکم یزد بوده
 اکنون در محل تقاطع دو مسیر پرتردد یزد - تها
 یزد - طبس قرار گرفته است. بنا به گفته اهالی
 گذاری این مجموعه براساس قنات موجود در
 انجام گرفته و چون بخشی از آب این قناب در شبانه
 روز وقف امام زمان علیه السلام می باشد و نیز از آنجا که
 در ایام نیمه شعبان به مدت سه روز به اطعام فقرا
 پرداخته می شده، این مجموعه «حجت آباد» نامیده
 شده است. این مجموعه شامل بناهای متعددی است که
 از آن جمله می توان به بازارچه، آب انبار، کاروانسرا،
 باغ و عمارت میانی اشاره کرد.

۳- قرآن وقف شده برای امام زمان علیه السلام



در کتابخانه های بزرگ ایران،
 قرآنهایی وجود دارد که وقف امام
 مهدی علیه السلام است. در کتابخانه آستانه
 مقدسه شاه چراغ در شیراز
 نمونه هایی وجود دارد که در

فهرست کتب خطی آن اشاره شده است، مثلاً به شماره

۵۱ و ۴۵۹ قرآنی که سوره فتح و نصر است
 حد، زمان علیه السلام شده است و همچنین قرآن سی
 به شماره ردیف ۱۱۴۶ توسط بابا محمدخان
 در سال ۱۱۴۱ هـ ق وقف امام زمان علیه السلام
 است. اما یکی از نمونه های بسیار زیبا قرآنی
 که در موزه مجلس شورای اسلامی است.

این قرآن در قطع رحلی و به ابعاد ۳۲×۲۱
 ساسی متر به خط نسخ و به قلم میرزا احمد نیریزی
 پدید آمده است. واقف اصلی این قرآن، محمد تقی
 خان باقری حاکم یزد بوده است. وی اراده می کند این
 قرآن وقف امام زمان علیه السلام شود و اولاد ذکورش نسل
 و پسر بزرگ مقدم بر پسر کوچک تر
 قرآن را تلاوت نموده و ثواب آن به امام مهدی علیه السلام
 هدیه شود و چنانچه در دوره ای پسر در خاندانش
 نباشد، ترتیب قرائت به اعلم مجتهدین زمان که نائب
 امام مهدی علیه السلام محسوب می شود. واگذار شود. و هر
 سال در ماه رمضان علیه السلام ظهور فرمودند این قرآن در
 اختیار او قرار بگیرد.

۱. در این قرآن مقاله ای در فصلنامه بهارستان، بهار ۱۳۸۸ توسط
 آقای د نظریان آمده است.

در دوره‌های اول مجلس، نماینده یزد آن را به کتابخانه داد تا مورد مرمت و بازسازی قرار گیرد و در همین کتابخانه استفاده شود.

این قرآن از نظر جنس کاغذ، کتابت و تذهیب بی نظیر بوده و جلدی عالی دارد و با توجه به ویژگی خاص این قرآن که «وقف تلاوت امام زمان علیه السلام» بوده، اینک در دست اصلاحات کامپیوتری است و پیش بینی شده با شمارگان ۵ هزار نسخه منتشر شود و در نظر گرفته شده اگر با استقبال خوبی رو به رو شود، با تغییر جلد و کاغذ و با قیمت مناسب و متعادل در اختیار عموم مردم قرار گیرد.

۴- وقف شمشیر



در گنجینه‌ی آستانه مقدسه حضرت معصومه علیها السلام، شمشیر همراه با غلاف، قمه، سپر و تبری وجود

دارد که از دوران قاجار به (قرن سیزدهم) وقف امام زمان علیه السلام شده است.

آقای حسین قلی‌خان قاجار، شمشیر فولادی طلاکوب با روکش طلا و مرصع و مزین به رنگ‌های

مینایی را وقف امام مهدی عج نموده است.

همچنین نواب حسین قلی خان قاجار، قمه‌ای فولادی با دسته‌ی استخوانی و غلاف چوبی با روکش طلا را وقف حضرت صاحب الامر عج نموده است.^۱

دنیای وقف

با مرور بر وقف نامه‌ها، روح انسان دوستی و بزرگواری تجلی می‌کند. واقفان خیراندیش برای خیلی از موضوعات به فکر بوده‌اند که مایه‌ی خوشحالی است. ابن بطوطه می‌نویسد: «روزی در یکی از کوچه‌های دمشق می‌گذشتم پسر بچه‌ای را دیدم که از دستش یک کاسه‌ی چینی افتاد و شکست. مردم دور او جمع شدند. شخصی گفت: غصه نخور، شکسته‌های کاسه را جمع کن تا نزد رئیس اوقاف ظروف ببریم. پسر خرده‌ها را جمع کرد و همراه آن مرد پیش رئیس اوقاف رفت و پول ظرف را گرفت و به او داد.»^۲

مصطفی السباعی می‌نویسد: «در لبنان موقوفه‌ای است که از عواید آن باید دو نفر هر روزه در

۱. ر ک: به ، نگرشی به آثار گرانبهای فرهنگی هنری آستانه مقدسه قم

۲. سفرنامه ابن بطوطه، ج ۱، ص ۱۰۵؛ مقدمه‌ای بر فرهنگ وقف، ص ۵۷.

بیمارستان‌ها بر بالین بیماران حاضر شوند، و در حالی که با هم نجوا می‌کنند به طوری که مریض صدای آن دو را بشنود این جملات را به صورت عادی رد و بدل کنند: «من می‌بینم که از روز گذشته خیلی بهتر است! چشمانش را ببین! قیافه‌اش را نگاه کن!» به نحوی که بیمار صدای آن‌ها را بشنود و با این تلقین معتقد شود که بیماری وی رو به بهبودی است و صحت یافتن او حتمی خواهد بود.^۱

تنوعات وقف آنقدر بسیار است که عوائد برخی موقوفات برای حیوانات را شامل شده است خیراندیش باریک بینی، ملکی را وقف کرده که سود آن برای طعمه‌ی سگ‌های کور خرج شود.

برخی وقف‌نامه‌ها در رابطه پرنندگان است؛ یعنی اموالی وقف شده است که در شش ماه زمستان گندم و دانه‌های دیگر روی بام‌ها بریزند تا پرنندگان بخورند.^۲

وقف مهدوی

در تعریف وقف آمده است: عقدی که ثمره آن

۱. جامعه‌ی توحیدی اسلام و عدالت، ترجمه سید علی محمد حیدری،

ص ۲۵۹.

۲. مقدمه‌ای بر فرهنگ وقف، ص ۵۶.

حبس کردن اصل، و رها کردن منفعت آن است.^۱ یعنی اصل چیزی را نگهداشته و نفع آن را آزاد می‌گذارد.^۲ به عبارت دیگر؛ «حبس کردن» ثروتی از طرف مالکش به وجهی از وجوه، به نحوی که فروش آن ممنوع باشد به ارث منتقل نگردد قابل هدیه نباشد و صرف کردن آن مال در جهتی که واقف تعیین کرده است.^۳

اما وقف مهدوی با توجه به تعریف فقهی آن عبارت است از: «جهت و سمت و سوی وقف، درباره امام مهدی علیه السلام باشد». به عبارت دیگر واقف با نیت و انگیزه رشد و توسعه فرهنگ مهدویت، چیزی را در راه امام زمان علیه السلام وقف نماید.

فرد یا افراد می‌توانند به انتخاب خود، مالی را از مالکیت مجازی‌شان جدا نموده و به مالکیت خلیفه‌ی خدا برگردانند. همچنین می‌توانند منفعت به دست آمده از چیزی را در راه امام عصر علیه السلام خرج و صرف نمایند.

۱. مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۴۷.

۲. حبر العین و تسبیل المنفعه.

۳. الفقه علی المذاهب الخمسه، ص ۵۸۵.

در حقیقت یکی از وظایف منتظران صله و بخشش اموال به امام مهدی علیه السلام است.^۱

اصول کافی، احادیث فراوانی در این رابطه نقل نموده است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

هیچ چیز نزد خداوند محبوب تر از اختصاص دادن درهم به امام نیست و خداوند متعال در ازای هر درهم در بهشت مانند کوه احد پاداش می‌دهد. خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: «چه کسی به خدا قرض می‌دهد تا خدا چند برابر پاداش دهد؟»^۲ به خدا سوگند که این آیه درباره صله به امام است.^۳

در حدیث دیگری امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «یک درهم صله به امام از دو میلیون درهم در سایر کارهای نیک بهتر است»^۴

گمان نشود که امام مهدی علیه السلام احتیاجی به وقف دارد. حجت خدا از آن چه در نزد من و شماست، قطعاً بی‌نیاز است. احتیاج او فقط به خداوند متعال است. در روایتی امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «من از یکی

۱. مکیال المکارم، ج ۲، ص ۳۵۷، وظیفه ۳۵

۲. سوره بقره، آیه ۲۴۵

۳. اصول کافی، ج ۱، ص ۵۳۷

۴. همان، ج ۲، ص ۱۵۶

از شما درهمی را می‌گیرم و حال آن که از پول داران اهل مدینه هستم. منظورم این است که شما پاکیزه شوید.^۱

در روایتی در فضیلت حج آمده که: «یک درهم خرج کردن در راه حج از یک میلیون درهم در غیر آن بهتر است و یک درهم که به امام برسد مانند خرج یک میلیون درهم در حج است.»^۲

بنابراین اگر شخصی درباره امام زمان علیه السلام مالی را صرف و خرج بهترین راه را برای رضای پروردگار بیهوده است.

وقف نمودن برای امام مهدی علیه السلام ثواب بیشتری از موقوفات دیگر دارد. زیرا او امام حی و حاضر است و هر شخصی نسبت به امام زمانش مسئولیت بیشتری دارد. کار کردن برای او نیز طعم و لذت دیگری دارد. امام مهدی علیه السلام همه ما را می‌بیند و اعمال ما بر او عرضه می‌شود. وقتی شما از اموالتان، مقداری را وقف گسترش فرهنگ مهدویت می‌نمایید، علاوه بر ثواب های فراوان دنیوی و اخروی، دیگران را نیز با معارف

۱. اصول کافی، ج ۱، ص ۵۲۷

۲. فروع کافی، ج ۴، ص ۲۶۰

مهدوی آشنا ساخته اید. و مشوق دیگران در این رابطه می‌شوید و حرکت های دیگری نیز با وقف شما هم سو و هم جهت شکل می‌گیرد.

چرا وقف؟

اسلام، پیروان خود را تشویق به کمک و یاری دیگران نموده است توصیه به صدقه، شرکت در کارهای خیر، تعاون در امور مثبت و بی‌تفاوت نبودن به وضعیت دیگران از ویژگی‌های این دین کامل است. یکی از بهترین و مؤثرترین شیوه‌های تکافل اجتماعی، بذل و بخشش، انفاق در راه خداوند متعال و کمک به هم نوعان وقف است. ضمن آنکه وقتی به سیره اهل بیت علیهم‌السلام توجه می‌کنیم، در می‌یابیم آنهایی که امام ما هستند، و در آخرت هیچ یک از انسان‌ها به رتبه و مقام آن‌ها نمی‌رسند و نزد خداوند متعال، جایگاه والایی دارند، به این مسئله توجه خاصی داشته و موقوفات بسیاری از خود به جای گذاشتند. در حالی که ما صد در صد نیاز بیشتری به لطف و بخشش خدا داریم. آنها معصوم هستند. ولی ما خطاکار و گناه‌کاریم و احتیاج ما به عفو الهی حتمی و واقعی است. پس چرا

وقف در کارنامه‌ی اعمال ما نباشد. امیرمؤمنان حضرت علی علیه السلام بعد از وقف می‌فرماید: «خدایا این را وقف نمودم تا آتش قیامت را از من دور گردانی.»
امام محمد باقر علیه السلام می‌فرماید:

«چگونه مردم می‌توانند از کارهای خیر منصرف شوند؟ در صورتی که حضرت علی علیه السلام در حالی که بهشت بر وی واجب شده بود، اموالی را برای فقرا وقف کرد و فرمود: خدایا این مال را برای این جهت صدقه قرار دادم که آتش را از صورتم و صورت مرا از آتش دوزخ دور سازی^۱».

وقف مهدوی چرا؟

۱. ضرورت نواندیشی در عرصه وقف
 ۲. ضرورت طرح و گسترش فرهنگ مهدوی
- این دو عامل بسیار مهم بهترین پاسخ به چرایی وقف مهدوی است. با نگاهی گذرا به موقوفات، روشن می‌شود که این سنت پسندیده همواره با زمان و مکان در ارتباط تنگاتنگ بوده و همراه با شکل‌گیری

۱. مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۵۱۱. اللهم انی فعلت هذا التصرف وجهی عن النار و تصرف النار عن وجهی

نیازها و فرصتها تنوع و صورت‌های مختلف پیدا نموده است.

در زمان‌های گذشته برای نعل اسب زائر و مرکب‌های زائرین وقف‌هایی صورت می‌گرفت.

امروزه می‌توان تنوع این وقف‌ها را در همان اندازه‌ها دنبال کرد و برای ماشین‌ها وقف نمود. اما اگر وقف‌ها در جهت رشد معنوی و شناخت زائرین نسبت به امامشان باشد، قطعاً آثار و برکات بیشتری دارد.

ضمن آن‌که امروزه طرح و گسترش فرهنگ مهدویت بسیار لازم و ضروری است. وقتی به کوهی نگاه می‌کنید، نخستین چیزی که چشم به آن دوخته می‌شود، قله آن کوه است و سپس دامنه و دشت و پوشش طبیعی جلب توجه می‌کند. این مسئله درباره اسلام با مهدویت معنا می‌یابد در میان آموزه‌های اسلامی، مهدویت قله و اوج همه آنان است، زیرا هدف و آرمان اسلام در آن نهفته است. وقتی از یک مسلمان درباره منتهای اعتقادش سوال شود؛ که اسلام چه سرنوشتی دارد؟ و برای تو چه پسندیده است؟ پاسخش در حکومت عدل امام مهدی علیه السلام خلاصه می‌شود.

علاوه بر آن که مهدویت در همه عرصه ها از عبادت و خانواده تا اجتماع و سیاست حضوری پر رنگ دارد. بدون مهدویت، هستی مبهم و گنگ و ابتر است. مهدویت با ترسیمی که از ابتدا و توصیفی که از انتهای تاریخ انسانی دارد، تنها دلیل برای بودن، تنها علت برای رفتن و بهترین گزینه برای امان ماندن از هزاران بی راهه و تنها راه برای پیمودن است.^۱

مهدویت از یک سو شناخت دقیقی از آن چه هستیم (هویت) ارائه می‌کند و از سوی دیگر با گشودن هدف‌های عالی برای زندگی (آرمان) انسان را به رشد و تعالی سوق می‌دهد. آموزه‌های با این اهمیت که اساساً راهبردی است. یعنی علاوه بر هدف هم راه و هم وسیله است انسان را با توحید و از مسیر توحید به توحید می‌رساند، چرا از ثروتی که خدا به ما داده است برای آن خرج نکنیم؟ ما امام مهدی علیه السلام را با جان و دل پذیرفته ایم ولی از پذیرش آن، چنان شاد نیستیم و تاکنون حاضر نشده ایم که برای آن خرج کنیم. بیایید با وقف مهدوی ثابت کنیم اماممان را از

۱. مفاتیح الجنان، زیارت حضرت صاحب الامر علیه السلام: «السلام علیک یا سبیل الله الذی من سلک غیره هلك»

همه چیز و همه کس بیشتر دوست داریم.
 از امام محمد باقر علیه السلام نقل شده است: رسول
 خدا صلی الله علیه و آله مردی را دید که مشغول درختکاری است.
 ایستاد و گفت: آیا تو را به یک نوع درختکاری
 دیگری که ریشه‌دارتر و بادوام‌تر است راهنمایی
 کنم؟... آن مرد گفت: یا رسول الله! شاهد باش که این
 باغ وقف بر فقرای مسلمین است. سپس این آیه نازل
 شد:

﴿فَأَمَّا مَنْ أَعْطَىٰ وَاتَّقَىٰ * وَصَدَّقَ بِالْحُسْنَىٰ *
 فَسَنِيَرُهُۥ لِلْيُسْرَىٰ﴾^۱

اما آن که حق خدا را داد و پروا داشت، و پاداش
 نیکوتر را تصدیق کرد، به زودی راه آسانی پیش
 پای او خواهیم گذاشت.

وقف هیچ‌گاه فیض آن تمام نمی‌شود و برای
 همیشه خیر و برکت آن در بستر زمان در اجتماع
 جاری و صاحب آن نیز همیشه از بهره‌ها و ثواب‌های
 آن لذت می‌برد.

در حال حاضر در کشور ما موقوفاتی وجود دارد
 که سابقه‌ی آن به نهصد سال پیش می‌رسد و همواره

صدقه جاویدانی هستند که ماندگاری آنها برای فرد واقف محفوظ است و نتیجه‌های معنوی آن همیشه سبز و روشن است.

هر کسی در این دنیا عمل خیری انجام بدهد در دفتر الهی ثبت و درج می‌شود و گم نمی‌شود. حتی اگر یک ذره بسیار کوچک باشد. نقل است: ثوبیه، کنیز ابولهب، مزده تولد حضرت محمد ﷺ را برایش آورد. او خوشحال شد و کنیز را آزاد کرد. بعد از مرگ ابولهب، شی او را در عالم رؤیا دیدند، از وضع و حال او پرسیدند. ابولهب گفت: وضعیت خوبی ندارم. در بیابان خشک و سوزان سرگردانم و از تشنگی رنج می‌برم. تنها امیدم به چند قطره آب است که گاهی از میان دو انگشتم می‌آید و این آب از خوشحالی‌ام بر تولد پیامبر و آزاد کردن ثوبیه است.^۱

او فقط همین کار شایسته را انجام داده و نیتش هم عالی نبوده است ولی این مقدار به او در عالم برزخ لطف می‌شود. اگر ما آینده نگر باشیم می‌دانیم هیچ یک از اموالمان را نمی‌توانیم همراه خود به عالم

۱. کتاب طبقات ابن سعد، ترجمه دکتر مهدوی دامغانی، ج ۱، ص ۹۷.

برزخ ببریم، ولی با وقف برای امام زمان علیه السلام بهترین راه را برای انتقال ثروت انتخاب کرده ایم و می‌توانیم همواره در سایه سبز و روشن این عمل والا و پسندیده، فرش و چراغی برای زندگی آینده تهیه کنیم.

در قرآن کریم، آیاتی وجود دارد که ما را به «وقف مهدوی» تشویق و ترغیب می‌نماید. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَأَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
فَيُؤْتِيهِمْ أُجُورَهُمْ﴾^۱

کسانی که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته انجام داده‌اند، همه‌ی مزدشان را می‌دهیم.

قطعاً وقف کردن برای امام مهدی علیه السلام یکی از مصادیق «عمل صالح» است که از ایمان سرچشمه می‌گیرد و دارای ثواب‌های فراوان است. اگر شخصی توفیق داشته باشد، برای امام زمانش اموالی را وقف کند در دنیا و آخرت خیرهای فراوانی به او می‌رسد.

در آیه دیگری خداوند متعال می‌فرماید:

﴿الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْبَاقِيَاتُ

الصَّلِيحَتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ أَمَلًا^۱

مال و فرزندان آرایش زندگانی دنیا است ولی اعمال صالح که تا قیامت باقی است، نزد پروردگار بسی بهتر و عاقبت آن نیکوتر است.

«وقف مهدوی» از مصادیق بارز «باقیات و

صالحات» است. هر شخصی در دوران زندگی اموالی

به دست می‌آورد و بعد از مدت‌ها زندگی، همه‌ی

آنها را برای خانواده‌ی خود به عنوان ارث باقی

می‌گذارد. اگر خوب و دقیق اندیشه شود مشخص

می‌شود که وقف مقداری از این اموال برای صاحب

الزمان رحمتهما باقیات صالحات است و بعد از مرگ و

رفتن به آن دنیا فایده‌ها و نتیجه‌های فراوانی برای ما

به ارمغان می‌آورد. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

﴿وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَى^۲﴾

زندگی اخروی جاودانه است. در اسلام بهره

برداری از لذات حلال دنیا مشروع دانسته شده و کسی

نمی‌تواند آنها حرام نماید و لیکن خداوند می‌فرماید:

از آنچه در دنیا به تو داده شده است با عمل صالح برای

۱. کهف، ۴۶.

۲. سوره اعلی، آیه ۱۷.

آخرت خود ذخیره نما.

﴿وَاتَّبِعْ فِي مَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ ۗ وَلَا تَنسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا ۗ وَأَحْسِنَ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ﴾^۱

یعنی با آنچه خداوند بتو داده است ثواب آخرت را بجوی و بهره ات را از دنیا فراموش مکن و نیکی کن همانطور که خداوند به تو انعام داده است.

بنابراین دنیا و آخرت از لحاظ سعادت‌مند کردن انسان بهم مربوطند و یک مجموعه‌اند و دنیا مزرعه آخرت است و می‌بینیم که بسیاری از واقفین خیراندیش نیز به مسأله توجه داشته‌اند، مثلاً در وقفنامه مدرسه نوریه اصفهان می‌خوانیم که: «... قطع تعلق از شوائب علائق زخارف دنیوی نموده و بر این مقال مترنم بوده‌اند:

بدنیا توانی که عقبی خری

بخر جان من ورنه حسرت خوری

و دریافته‌اند که جهان و زندگی بازیچه‌ای بیش

نیست و به آیه شریفه گوش جان سپرده‌اند که:

﴿وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهُوٌّ وَلَعِبٌ وَإِنَّ
الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا
يَعْلَمُونَ﴾^۱

«این زندگی دنیا، جز سرگرمی و بازیچه نیست،
زندگی حقیقی سرای آخرت است ای کاش
می دانستند.»

یقیناً داشتن دارایی برای همه لذت بخش است و همگان
دوست دارند که اموال فراوانی داشته باشند که زندگی خوب
و راحتی داشته باشند.

به طور خلاصه داشتن پول و ثروت برای همگان
شیرین است. همه دوست دارند وضع مالی خوبی داشته
و به دیگران کمک کنند. برخی از افراد که اهل بذل
و بخشش و انفاق نیستند با خود می گویند: اموال من
کم است ولی اگر روزی مال فراوانی داشته باشم حتماً
مقداری را می بخشم. بهتر است به این آیه خوب توجه
کرد. خداوند متعال می فرماید:

﴿لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ﴾^۲

«هرگز به مقام نیکوکاران نخواهید رسید مگر
این که از آنچه دوست دارید انفاق کنید.»

۱. سوره عنکبوت، آیه ۶۴

۲. سوره آل عمران، آیه ۹۲

همین مقدار کمی که از اموال نزد ما وجود دارد و آنها را دوست داشته و می‌خواهیم را باید انفاق کنیم و هیچ انفاقی بالاتر از انفاق برای حجت خدا و امام زمان علیه السلام نیست.

درست است دل‌کندن کاری سخت و دشوار است ولی نیکوکاری امری بسیار بزرگ است. نیکوکاری فقط به نماز خواندن و روزه گرفتن نیست. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُوَلُّوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ
وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ ءَامَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ
الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَءَاتَى
الْمَالَ عَلَىٰ حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ
وَالْمَسْكِينِ وَابْنَ السَّبِيلِ﴾^۱

نیکوکاری آن نیست که روی خود را به سوی مشرق و مغرب بگردانید؛ بلکه نیکی آن است که کسی به خداوند و روز واپسین و فرشتگان و کتاب و پیامبران ایمان آورد و مال خود را با وجود دوست داشتنش، به خوشاوندان و یتیمان و بینوایان و در راه ماندگان و... ببخشد.

نکته دقیقی که از این آیات نورانی فهمیده می‌شود

این است که «وقف مهدوی» از اموال دوست داشتنی انتخاب شود. در این وقف لازم است مالی که از راه حلال به دست آمده و آن را دوست می‌داریم تقدیم شود و بدانید هرچه وقف نمایید علاوه بر فایده‌های این دنیا همان را در روز قیامت می‌یابید. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَمَا تَقْدِمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ^۲
إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ﴾^۱

هرچه از نیکی برای خویش از پیش فرستید آن را نزد خدا بهتر و با پاداشی بزرگ‌تر خواهید یافت.

آثار وقف مهدوی

وقف، یادگاری ماندگار و صدقه‌ای همیشه جاری است، همه دوست دارند نام نیک و خوبی از خود به جای بگذارند و پس از مرگ، یاد و نام او زنده و جاوید باشد. بنابراین نباید از «وقف مهدوی» غاف بود. در حقیقت وقف مانند چشمه‌ای است که همیشه می‌جوشد. بنابراین وقف مهدوی علاوه بر خیرات و

۱. سوره بقره، آیه ۱۱۰.

برکات این چینی، دارای آثار و فواید دیگری نیز می‌باشد که عبارت است از:

۱. تألیف قلوب مردم به امام مهدی علیه السلام

قطعاً وقف مهدوی دل‌ها و جان‌ها را بیشتر با امام زمان علیه السلام پیوند می‌دهد و مایه انس می‌شود. شما وقتی خانه، زمین، دل و هر چیز دیگری را وقف توسعه‌ی فرهنگ مهدویت می‌نمائید. فرصتی فراهم می‌آورید که مکانی و جلسه‌ای را برای گفت و گو، درباره امام زمان علیه السلام ایجاد کنید و دیگران توفیق می‌یابند درباره حضرت شناخت بیشتری یابند قلب و جان خود را با یاد و نام حضرت چراغانی کنند.

۲. آشنا نمودن مردم با فرهنگ مهدوی

مهدویت دریایی پر از گوهر و عقیده‌ای بسیار ارزشمند است که متأسفانه شیعه با همه عظمتش، هنوز به صورت جامع آن را درک نکرده است. لذا وقف شما گام بسیار مؤثری برای آشنا شدن شیعه با این موهبت الهی است.

تمام خوبی و خیرات در فرهنگ مهدویت نهفته شده است، وقتی کودک یا جوانی با کمک از وقف

شما با این فرهنگ آشنا می‌شود در حقیقت او با مجموعه‌ای از خوبی‌ها آشنا شده است. در فرهنگ مهدویت، رشد، صلاح، تقوا، هویت، آرمان و خلاصه توحید، نبوت و امامت نهفته شده است. و شما به او کمک نموده اید که با حقیقات هستی آشنا شود.

۳. بسط و گسترش فرهنگ مهدوی

وقتی ثروتی به طور خاص و نوع خاص وقف مهدویت شود، این فرهنگ را به نحو خاص و ویژه گسترش می‌دهد. مثلاً اگر ملکی وقف شود تا عوائدش در ترویج فرهنگ مهدویت در مناطق غیر شیعه صرف و خرج شود یا عوائد آن در رابطه با چاپ کتاب‌های مهدوی به سایر زبان‌ها باشد و یا فوائد آن در برگزاری جلسات در نقاط محروم ایران و غیر ایران صرف و خرج شود، تمام این امور سبب گسترش این فرهنگ و آشنا کردن دیگران با جان هستی است.

همچنین نوعی زمینه‌سازی برای ظهور حضرت مهدی علیه السلام نیز می‌باشد. زیرا یکی از شرایط مهم ظهور، آمادگی عمومی است. وقتی عموم شیعیان، مسلمانان و موحدان عالم، در تاب و تب منجی باشند، خداوند

فرج نهایی را مقرر می‌فرماید.

۴. تشویق دیگران به وقف مهدوی

الان موقوفات مهدوی شایع نشده است. بیشتر موقوفات در ایران به این سمت و سو جریان پیدا نکرده است. شما با وقف نمودن برای امام مهدی علیه السلام در ترویج فرهنگ وقف مهدوی، سهم هستید. وقتی از عوائد وقف شما جلسهای، کتابی و یا آثار دیگری شکل می‌گیرد سبب می‌شود، دیگران نیز در این رابطه شوق و شور یابند و موقوفات مهدوی گسترش می‌یابد.

وقف مهدوی؛ وظایف منتظران

علاوه بر وظایف معنوی، منتظران امام مهدی علیه السلام وظیفه مادی و مالی نیز دارند مانند: صدقه، خمس، وقف و... لذا وقف نمودن برای حضرت از وظایف منتظران می‌باشد و در این رابطه مردم و سازمان اوقاف و امور خیریه هر کدام به تنهایی وظایفی دارند. سازمان اوقاف برای گسترش وقف مهدوی نقش مهم و بسزایی دارد. برخی از راه‌کارها عبارتند از:

۱. تشویق ثروت‌مندان و خیرین
۲. برگزاری هم‌اندیشی و همایش در این رابطه

۳. تسهیلات ویژه دولتی در باب این گونه موقوفات

برای مردم نیز راه کارهایی در رابطه چه و چگونه وقف مهدوی وجود دارد که برخی از موارد عبارت است از:

۱. ساختن مهدیه
۲. ایجاد مراکز ویژه تعلیم و تعلم مباحث مهدوی
۳. دایر کردن کتابخانه‌های تخصصی مهدویت
۴. احیاء آثار خطی مهدوی
۵. برگزاری جلسات و هیئت‌های مهدوی
۶. تشویق و ترغیب ختم قرآن برای حضرت
۷. چاپ کتاب‌های مهدوی
۸. وقف امکانات و تجهیزات برای اماکن مهدوی
۹. توزیع و پخش آثار (کتاب، جزوه، CD) مهدوی
۱۰. کمک به راه اندازی سایت‌ها، شبکه‌های ماهواره‌ای و مطبوعات مهدوی

حکم وقف از بیان امام زمان علیه السلام

در قسمتی از توقیع امام زمان علیه السلام در جواب سؤال‌های ابوالحسین محمد بن جعفر اسدی آمده است.

﴿وَأَمَّا مَا سَأَلْتَهُ مِنْ أَمْرِ الْوَقْفِ عَلَى نَاحِيَّتِنَا
وَمَا يَجْعَلُ لَنَا تَمَّ يَحْتَاجُ إِلَيْهِ صَاحِبُهُ، فَكُلُّ مَا لَمْ
يَسَلِّمْ فَصَاحِبُهُ فِيهِ بِالْخِيَارِ، وَكُلُّ مَا سَلِّمْ فَلَا
خِيَارَ فِيهِ لِصَاحِبِهِ، إِحْتِاجُ إِلَيْهِ صَاحِبُهُ أَوْ لَمْ
يَحْتَاجُ﴾^۱

از ما درباره این که فردی چیزی را برای ما وقف کرده، ولی خودش به آن محتاج شده است، پرسیده‌ای. حکم چنین فردی، این است که در آن چه برای ما وقف کرده، ولی تسلیم ما نکرده، مختار است و می‌تواند وقف را به هم بزند؛ ولی آن چه را، به خاطر تسلیم، وقفش مسلم شده است، دیگر نمی‌تواند برگرداند، خواه به آن احتیاج داشته یا نداشته باشد.

حکم وقف با معاملات دیگر تفاوت دارد. اگر کسی چیزی را بفروشد و پولش را از مشتری بگیرد، ولی پشیمان شود و از معامله صرف نظر کند، می‌تواند پول را پس دهد و معامله را به هم بزند؛ اما وقف این گونه نیست. وقتی چیزی وقف شد، اگر واقف، آن را به موقوف علیه (کسانی که آن چیز برای آنان وقف شده) تسلیم نکرده باشد، می‌تواند وقف را

۱. کمال الدین، ج ۲، ص ۵۲۰، ح ۴۹؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۸۲، ح ۱۱.

بر هم بزند و به دارایی های خودش بازگرداند؛ ولی اگر مال موقوف را در اختیار موقوف علیه قرار داد، آن وقف حتمیت پیدا می کند و واقف نمی تواند به هیچ عنوان آن را به اموال خود بازگرداند.

در این حکم، فرق نمی کند که موقوف علیه چه کسی باشد، امام معصوم باشد یا فرد عادی؛ نیز تفاوتی ندارد که مال موقوف چه مقدار باشد، کم یا زیاد.

عنایت امام زمان علیه السلام به اوقاف

تمام اعمال ما در برابر دیدگان نافذ حضرت ولی عصر علیه السلام است و او از همه ی امور آگاه هستند در زیارت روز جمعه به حضرتش عرضه می داریم: السلام علیک یا عین الله فی خلقه؛ سلام بر چشم خدا در میان خلائق. همان طوری که از خداوند متعال چیزی پوشیده و پنهان نیست از خلیفه ی او نیز چیزی مخفی نیست. در این میان امام مهدی علیه السلام از موقوفات نیز آگاهی کامل دارند. لذا مورد توجه ایشان نیز می باشد. این حکایت گویای این حقیقت است.

جمعی از اهالی مازندران و بعضی از علمای تهران

فرمودند:

در زمان عالم ربانی حاج ملا محمد اشرفی
مازندرانی رحمته الله علیه یکی از ثروتمندان آن سامان که صاحب
زمین و املاک بسیاری بود، به بلا و مصیبت‌هایی
مبتلا شد به طوری که همه ثروتش را از دست داد و
امرار معاش او منحصر به غله یک روستای وقفی، که
ظاهراً متولی شرعی آن بود، گردید، و از حقی که برای
این کار از سوی واقف تعیین شده بود، زندگیش را
می‌گذراند.

در همین ایام یکی از ثروتمندان حوالی، مدعی
مالکیت آن روستا شد و این مطلب را منتشر کرده بود
که آن محل از املاک من بوده غصب شده است بنا
بر این وقفیت آن درست نیست و چون در آن دیار، با
ثروت و اقتدار بود، طبق ادعای خود، شهودی ترتیب
داد و در هر محضری که نزاع طرح می‌شد بر حسب
ظاهر شرع، حکم به حقانیت او در مورد مالکیتش
می‌دادند. طرف مقابل (ثروتمند ورشکسته)، که ظاهراً
متولی وقف در آنجا بود؛ از اجرای این حکم امتناع
می‌کرد.

این مشاجرات طول کشید و دو طرف خسته شدند.
بعضی از مصلحین خیراندیش به میان آمدند و هر دو

را ملزم نمودند که دعوا را به محضر عالم ربانی، مرحوم حاجی اشرفی مازندرانی ببرند و هر چه ایشان حکم فرمود، تسلیم شوند و به مرحله اجرا بگذارند. آنها هم این کار را انجام دادند. بعد از طرح دعوا و اقامه شهود، متولی (ثروتمند ورشکسته) متوجه شد که حاجی اشرفی نیز با این حساب، حکم به ملکیت آنجا خواهد داد، لذا درمانده شد و از شدت درماندگی، خود را به مدرسه «بخش اشرف» (از بخش‌های مازندران) رساند که شاید با دیدن طلاب، راه حلی پیدا شود. وقتی وارد مدرسه شد، دید آنها مشغول مباحثه علمی هستند.

آن بیچاره، مهموم و مغموم در گوشه‌ای نشست و سربه‌گریبان تفکر فرو برد. در این بین، یکی از طلاب نزد او آمد و علت هم و غم او را پرسید. وی، جریان را برای او بیان کرد و در ضمن راه چاره‌ای از ایشان خواست.

طلبه گفت: چاره کار تو این است که به بیرون شهر بروی و نماز حضرت ولی عصر علیه السلام را بخوانی و بعد از نماز به او، متوسل شوی. شاید آن حضرت تو را از این هم و غم نجات دهند.

او بعد از این راهنمایی، به بیرون شهر در بیابانی خالی از مردم رفت و بعد از اقامه نماز، به آن حضرت متوسل شد. در همین اثناء، مردی به هیئت رعایای آن اطراف، نزد او نمایان شد و علت هم و حزن و بیرون آمدنش به آن بیابان را پرسید. او تمام خصوصیات ماجرا را به عرض رساند.

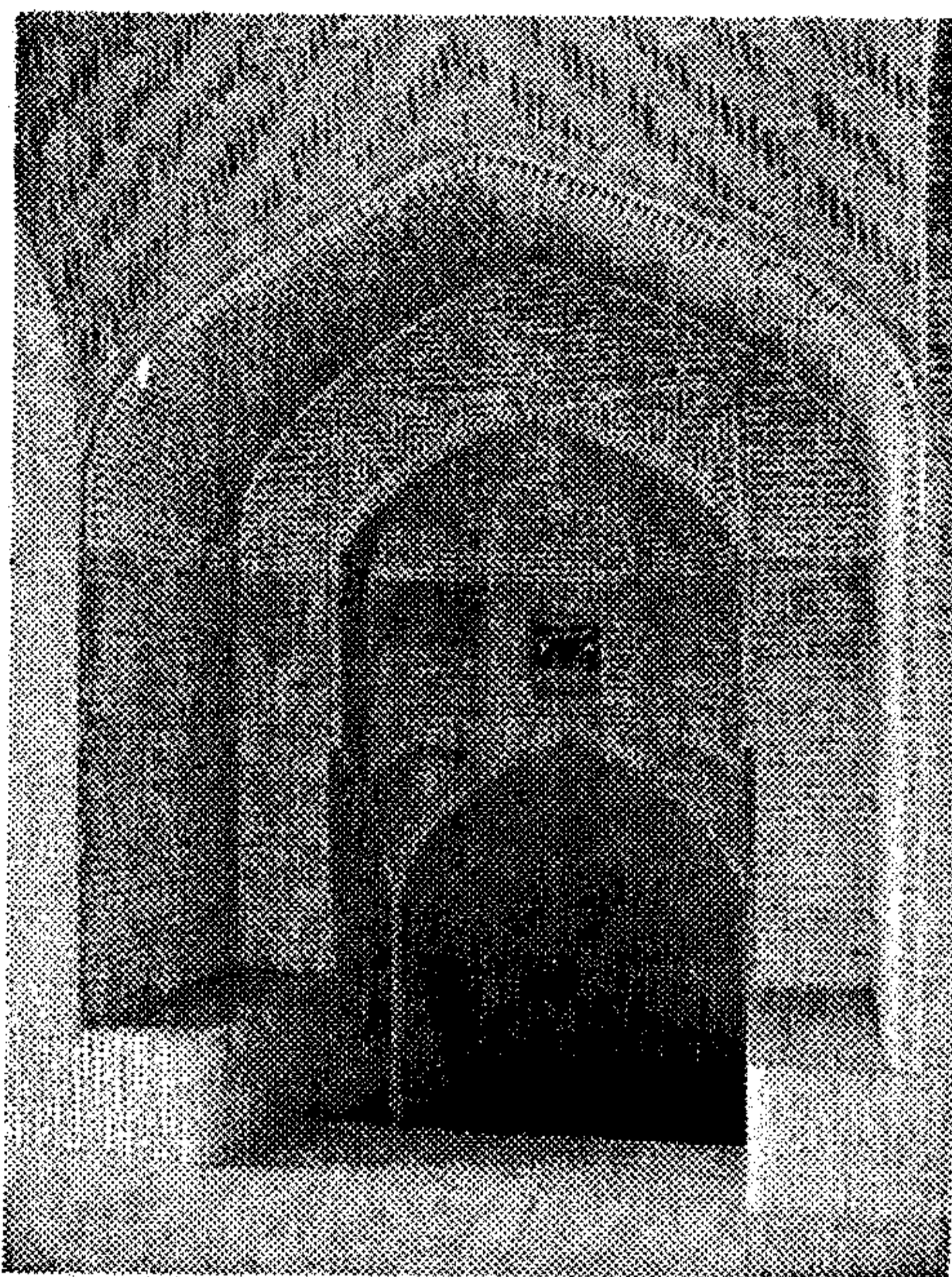
آن مرد بظاهر روستایی، فرمود: مشکلات آسان و هم و غمت تمام شد. به شهر مراجعت کن و خدمت جناب حاجی اشرفی برو و به او بگو: از جانب شخصی بزرگ مأموریت داری که حکم به وقفیت این جا بدهی!

او عرض کرد: با وجود اقامه شهودی که طرف مقابل من است، چطور حاجی اشرفی حکم به وقفیت خواهد داد؟

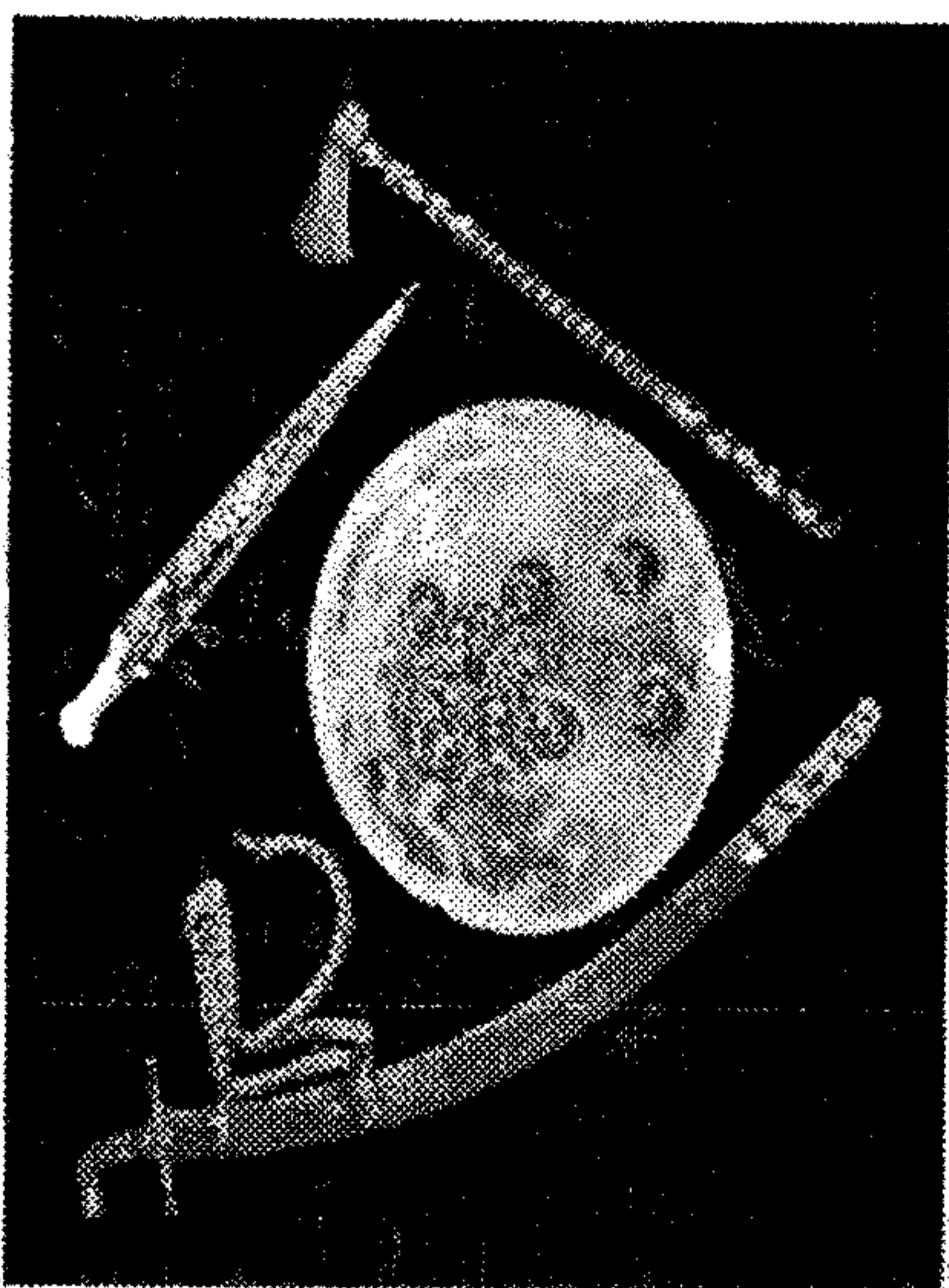
فرمود: اگر ایشان بر حکم به وقفیت دغدغه‌ای داشتند، بگو: از جانب آن شخص بزرگ علامت و نشانه‌ای بر وقفیت آورده‌ام. وقتی گفت: آن نشانه و علامت چیست؟ به ایشان بگو: آن شخص بزرگ فرموده اند: ما امثال شما را تأیید می‌نماییم که در حکم و فتوا خطا نکنید و نشان اینکه حکم به وقفیت

صحيح است، آن است که در وقت تشریف به مکه معظمه، موقعی که در مقام ابراهیم علیه السلام مشغول نماز بودی، در قنوت، فلان دعا را خواندی و یک کلمه آن دعا را غلط خواندی، من آهسته به گوشت گفتم: این کلمه غلط است و صحیحش فلان چیز است و از نظرت ناپدید شدم! همین که آن مرد بظاهر روستایی این جملات را فرمود، از نظر او نیز غایب شد و وی خرم و خوشحال به شهر برگشت و شرفیاب حضور مرحوم حاجی اشرفی گردید و ماجرا را خدمت ایشان عرض کرد و ایشان به فرمایش حضرت بقیة الله الاعظم علیه السلام حکم به وقفیت را صادر نمودند و او را از هم و غم نجات دادند.^۱

۱. برکات حضرت ولی عصر علیه السلام، ص ۲۴۰؛ العبقری الحسان، ج ۲،



مجموعه حجت آباد یزد



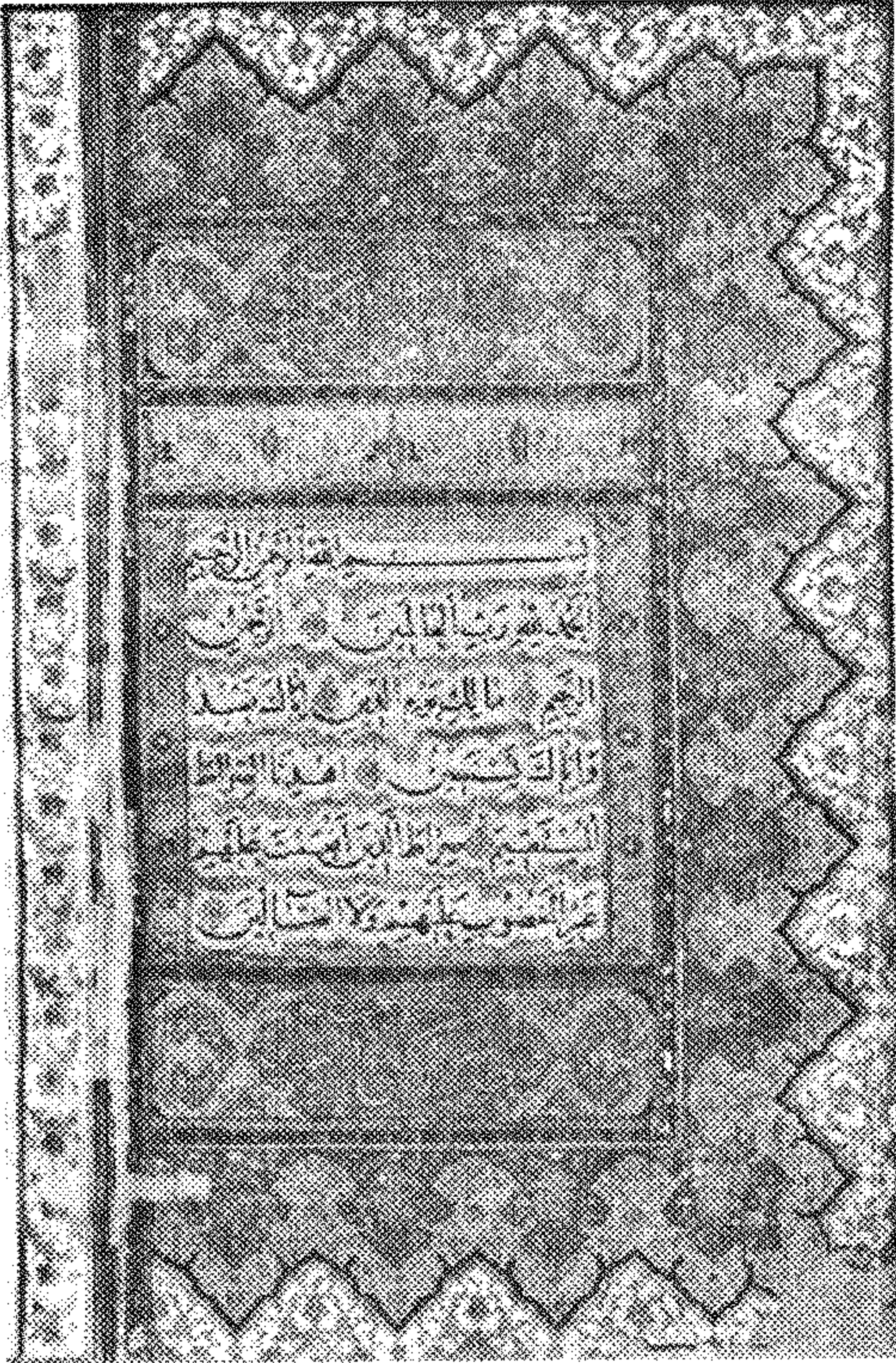
گنجینه وقف شده در حرم حضرت معصومه علیها السلام



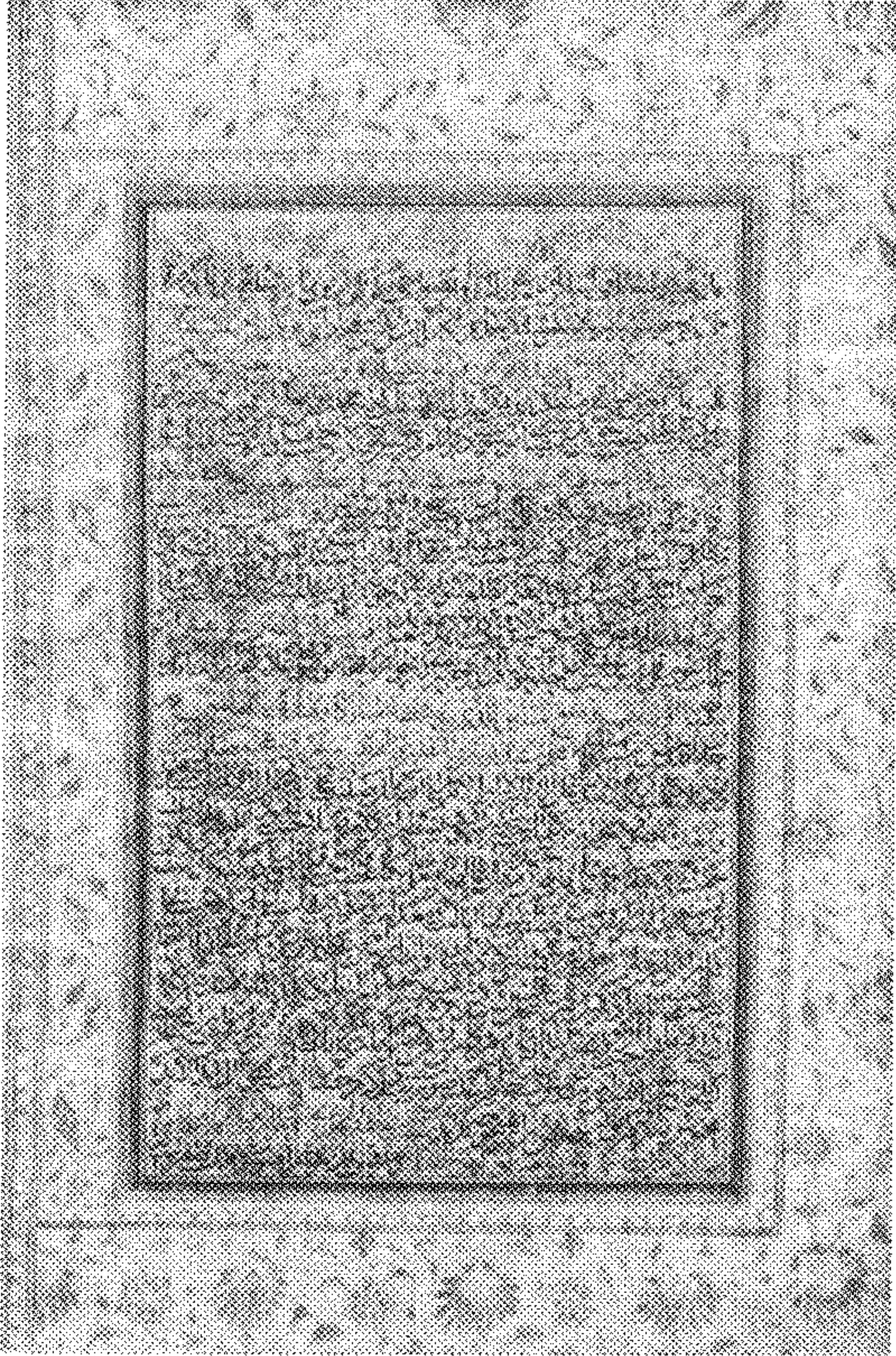
چشمه علی دامغان



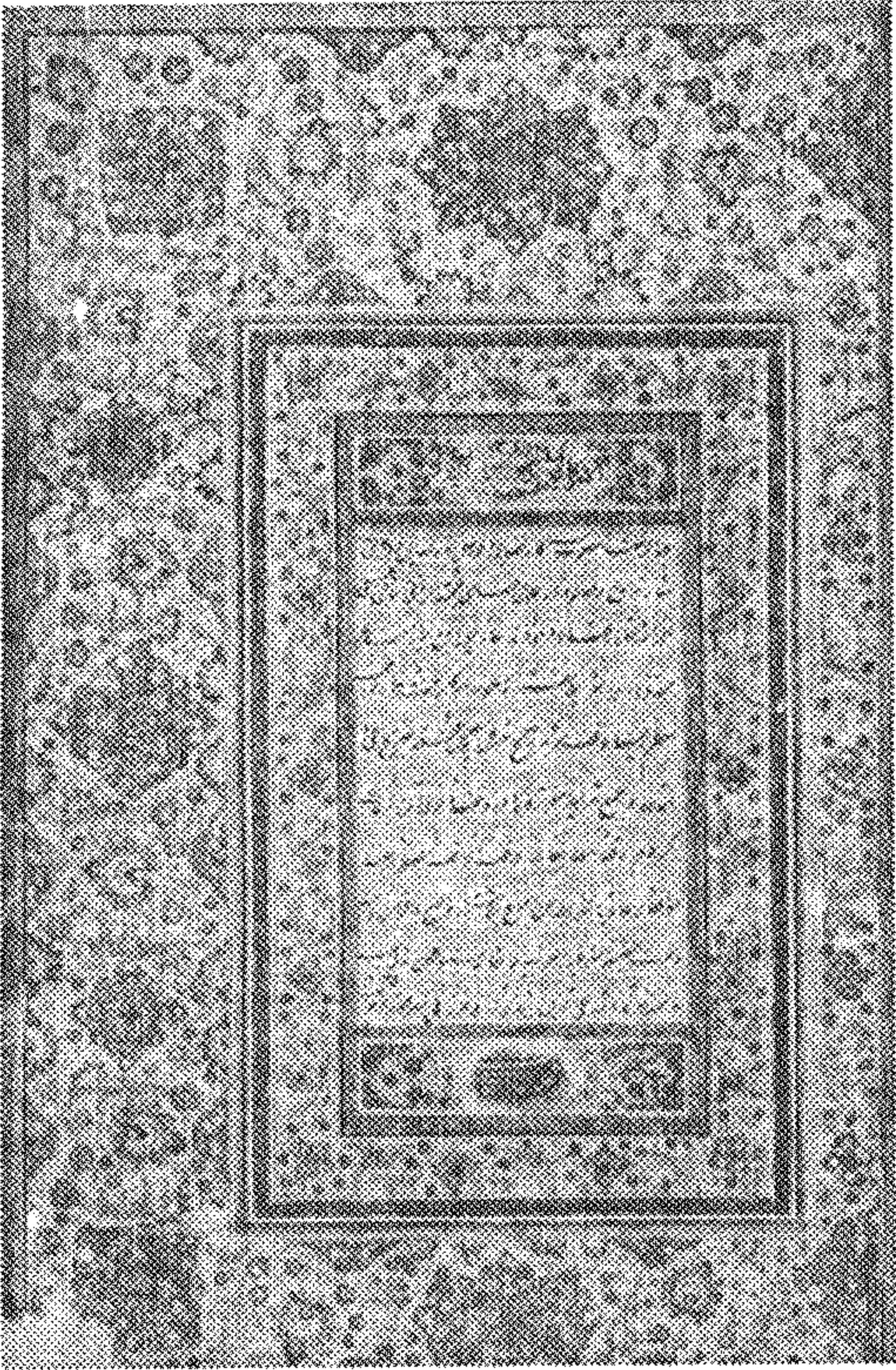
قرآن وقف شده تلاوت برای امام زمان علیه السلام



قرآن وقف شده تلاوت برای امام زمان علیه السلام



وقف نامه قرآن



وقف نامه قرآن